خط ایست

دروغ بزرگ

دلهره تمام وجودش را پر کرده بود. اگر کنکور قبول نمی‌شد، جواب پدرش را چه باید می‌داد. پدرش مرد ملاک و ثروتمندی بود. فکر می‌کرد مگر می‌شود برای یک سال دیگر از پدر فرصت بگیرد تا بتواند دوباره خودش را برای کنکور آماده کند. از جا بلند شد و به عقربه‌های ساعت نگاه کرد. تازه ۷ صبح شده بود. سریع پشت رایانه‌اش نشست و اسامی قبولی‌های کنکور را چک کرد وقتی اسم خودش را دید، جیغ کشان از اتاق بیرون دوید:

پدر! پدر

پدر روی ایوان در حال بستن بند کفش‌هایش بود.

قبول شدم.

حالا که به آن روز فکر می‌کرد، بی‌اختیار اشک به چشمانش می‌دوید. همراه با پدر به مشهد رفته و ثبت نام کرده بود.

ترم دوم بود که با محمد آشنا شد. محمد پسر خوبی بود. آن روز وقتی آخرین امتحان را داده بود، موقع برگشتن به خوابگاه سوار تاکسی شده بود همان جا با محمد آشنا شد و...

تلاش‌های زهره برای ایجاد علاقه در محمد در ترم پنجم به ثمر رسیده بود. با این که پدر و مادر بعد از دیدن زهره مخالفت شدیدشان را برای این وصلت اعلام کرده بودند ولی زهره با خودش فکر می‌کرد مهم من و محمد هستیم. محمد با حرف‌های زهره توان و قدرت خاصی در خودش احساس می‌کرد برای همین یک روز دور از چشم خانواده‌اش همراه زهره به محضر رفتند و پیمان ازدواج‌شان را بستند.

چند روز بعد زهره بدون این که محمد خبردار شود گوشی تلفن را برداشت و به خانه پدر شوهرش تلفن زد.

! سلام مامان

زن از شنیدن صدای دختر جوانی که او را مامان خطاب می‌کرد، یکه خورد.

شما؟

عروستون هستم؛ زهره!

زن با شنیدن این حرف بی‌هوش شد و گوشی تلفن از دستش افتاد. آخر هفته پدر و مادر محمد در سفر به مشهد قشقرقی به پا کردند. زهره کار خودش را کرده بود. واکنش‌های خشمگینانه مادر، خواهر و پدر شوهرش هیچ کدام فایده‌ای نداشت. درس و دانشگاه‌شان که تمام شد، برای زندگی به تهران برگشتند. محمد کم کم رفت و آمد به خانه پدرش را شروع کرده بود. زهره هر چند تمام تلاش‌اش این بود که جلوی این کار را بگیرد ولی کمتر موفق شد. تا این که یک روز محمد به او گفت: مادر و پدرم ما را بخشیده‌اند و تو هم می‌توانی به آن جا بیایی. زهره هر بار که پا به خانه پدر شوهرش می‌گذاشت، یاد مخالفت‌های آن‌ها برای این وصلت می‌افتاد برای همین سعی می‌کرد هر طور شده رفتاری تلافی جویانه در برابر آن‌ها نشان دهد. دوباره جار و جنجال‌ها شروع شده بود. محمد بعد از شش هفت سال زندگی، با خودش فکر می‌کرد اگر صاحب بچه‌ای شوند شاید بتواند آرامش را به زندگی‌اش برگرداند. چند هفته‌ای میان او و زهره به قهر گذشته بود. زهره اصرار می‌کرد که هرگز حوصله بچه‌دار شدن در این شرایط را ندارد. ولی محمد احساس مبهمی داشت. آن روز قبل از این که همسرش از سر کار به خانه برگردد، پنهانی به خانه رفت. کمد لباس‌های او را زیر و رو کرد. با دیدن چند جواب آزمایش یکه خورد. زهره نازا بود ولی تمام این سال‌ها این حقیقت را از او پنهان کرده بود. پس زهره خودش خبر داشت که هرگز نمی‌تواند مادر شود. تا برگشتن زهره به خانه صبر کرده بود. این بار وقتی محمد آزمایش‌ها را جلوی همسرش گذاشت و از او توضیح خواست، با شنیدن جواب‌های سربالا از طرف زهره از کوره در رفت.

تو هستی که مشکل داری؟

پس این آزمایش‌ها چیه؟

یکی از دوستانم با دفترچه من آزمایش داده است.

خون جلوی چشمانش را گرفته بود. دستش را بلند کرده و با تمام توان سیلی آبداری به صورت زهره زده بود. وقتی به خودش آمده بود که زهره با چهره‌ای خون‌آلود زیر دست و پایش افتاده بود. هر طور بود باید زهره را طلاق می‌داد. تنها درد او نازایی زهره نبود.

زهره شناسنامه‌اش را از درون کشوی لباس‌هایش بیرون آورد. مهر طلاق و جدایی حکایت از شکست بزرگی داشت. با دیدن نامه‌ای که زیر لباس‌هایش بود یاد محمد افتاد.

نامه را باز کرد.

کاش مشکل تو تنها نازایی بود. بزرگ‌ترین عیب تو این است که یک آدم دروغ گو هستی. اگر سالم زندگی می‌کردی و از من چیزی را پنهان نمی‌کردی نازایی‌ات برایم اهمیتی نداشت ولی تو با فریب کاری قصد داری که سر همه کلاه بگذاری و من مردی نیستم که بتوانم یک زن فریب کار را تحمل کنم.

زهره اشک‌هایش را پاک کرد. صدای زنگ تلفن همراهش به گوش رسید. گوشی را برداشت. صدای یکی از همکارانش بود. راستش محمد مرد معتادی بود. حوصله زندگی کردن با یک آدم معتاد و بی‌کار را نداشتم. می‌دانی یک مشکل دیگر هم داشت آن هم این بود که با زن‌های ناباب رفت و آمد می‌کرد. من هم که می‌دانی تحمل این چیزها را ندارم. الان بعد از یک سال از طلاقمان آمده و التماس می‌کند که سر زندگی‌ام برگردم....

دختر جوان پدرش را نگران کرده بود

قتل خواستگار
۲ زنه توسط پدر دختر

پدر عصبانی وقتی شنید خواستگار سمج دخترش در گذشته دو ازدواج ناموفق داشته و برای فرار از پرداخت مهریه و نفقه به تهران آمده، دست به افشاگری داستان سرایی خواستگار دخترش زد.

این پدر در یک سناریوی عجیب، دست به قتل زد و برای پنهان ماندن این جنایت به خرم‌آباد سفر کرد.

به گزارش خبرنگار ما، مهر سال ۹۷ دختری ۲۸ ساله در یک همایش شرکت کرد و با مردی ۴۰ ساله به نام امیرعلی آشنا شد.

امیرعلی در جلسه نخست همایش با آرزو طرح دوستی ریخت و ادعا کرد در گذشته یک شرکت در شهر خودشان داشته که پس از ورشکستگی به تهران آمده و یک شرکت جدید راه‌اندازی کرده است.

مرد جوان که خود را یک آدم پولدار و موفق به آرزو معرفی کرده بود، پس از اعتماد سازی، از دختر جوان که دلباخته مرد شیک پوش شده بود، خواستگاری کرد. آرزو وقتی پیشنهاد ازدواج را شنید، شوکه شد و در حالی که ۱۲ سال اختلاف سنی با امیرعلی داشت، به خاطر این که دلباخته او شده بود، پذیرفت با او ازدواج کند.

■ روز خواستگاری

آرزو وقتی ماجرای خواستگار را در خانه‌شان مطرح کرد، پدرش به عنوان نخستین فرد با این ازدواج مخالفت کرد اما دختر جوان اصرار به ازدواج کرد و پدرش پذیرفت تا ابتدا مراسم خواستگاری برگزار شود و پس از تحقیقات جواب نهایی را به مرد شیک پوش بدهند.

روز خواستگاری فرا رسید و امیرعلی به تنهایی به خانه دختر جوان رفت. پدر آرزو از این که مرد جوان به تنهایی برای خواستگاری آمده ناراحت شد و به این رفتار اعتراض کرد که امیرعلی با چرب زبانی گفت قصد داشته ابتدا خانواده آرزو او را ملاقات کنند و با شرایط زندگی‌اش بیشتر آشنا شوند تا در صورت رضایت، خانواده‌اش به تهران بیایند.

■ اعتراض خواستگار سمج

چند ماه از ماجرای خواستگاری گذشت و در این مدت پدر آرزو مخالف این وصلت بود اما دختر و پسر جوان با هم در ارتباط بودند و آرزو هر روز به مرد رویاهایش بیشتر وابسته می‌شد و جالب این که مرد شیک پوش گاهی اوقات از دختر جوان پول قرض می‌گرفت.

پدر آرزو وقتی دید دخترش قصد ندارد به این ارتباط و دوستی پایان دهد، تصمیم گرفت تحقیقاتش را در خصوص خانواده و شغل خواستگار دخترش آغاز کند.

پدر نگران شروع به کاوشگری کرد و خیلی زود به سرنخ‌هایی رسید که راز زندگی دروغین خواستگار سمج فاش شد و یک روز در خصوص این افشاگری با دختر جوانش صحبت کرد و از او خواست تا دیگر جواب تلفن امیرعلی را ندهد. آرزو وقتی شنید خواستگارش یک مرد فریبکار است، خواسته پدرش را پذیرفت و دیگر جواب مرد رویاهایش را نداد.

روز جمعه ۳ خرداد ماه امیرعلی با پدر آرزو تماس گرفت و به این که دختر مورد علاقه‌اش جواب او را نمی‌دهد، اعتراض کرد که پدر دختر گفت، شما صلاحیت ازدواج با دخترم را نداری و من از او خواسته‌ام که دیگر جواب تو را ندهد. همین باعث شد تا امیرعلی بخواهد با پدر آرزو یک قرار ملاقات برای شفاف سازی بگذارد.

■ درگیری مرگبار

روز شنبه ۴ خرداد، پدر آرزو و امیرعلی همدیگر را ملاقات کردند. پدر عصبانی در همان ابتدا گفت که اطلاع دارد او دو بار ازدواج کرده و صاحب فرزند است و همسران امیر علی نیز مهریه و نفقه‌شان را به اجرا گذاشته‌اند و او برای فرار از دست آن دو به تهران سفر کرده است.

امیرعلی وقتی شنید پدر آرزو داستان زندگی‌اش را متوجه شده است، پرخاش کرد. ابتدا بین آن‌ها درگیری لفظی صورت گرفت و بعد درگیری فیزیکی رخ داد که پدر عصبانی با مشت یک ضربه محکم به سمت گیجگاه امیرعلی زد و مرد جوان روی زمین افتاد.

مرد جوان دیگر نفس نمی‌کشید و پدر آرزو او را سوار بر خودرو به پارک فدک رساند و آن جا بار دیگر او را تکان داد تا شاید زنده باشد اما کار از کار گذشته و امیرعلی با همان یک ضربه تسلیم مرگ شده بود.

■ سفر به خرم‌آباد

مصطفی ۵۵ ساله وقتی دید مرد جوان به قتل رسیده، جسدش را در صندوق عقب خودروی لیفان خودش گذاشت و به سمت خرم‌آباد رفت و شب وقتی به لرستان رسید جسد را در بیابان‌های اطراف فرودگاه خرم‌آباد رها کرد و چهار روز در لرستان ماند.

پدر آرزو پس از چهار روز به تهران بازگشت و راز قتل خواستگار سمج را پنهان نگه داشت و درباره‌اش با کسی صحبت نکرد.

■ خانواده‌ای نگران

خانواده امیرعلی چند روزی بود که پیگیر سرنوشت فرزندشان بودند و هر چه به موبایل او زنگ می‌زدند، جوابی نمی‌گرفتند. به همین دلیل با حضور در تهران از پلیس برای پیدا شدن فرزندشان در خواست کمک کردند.

تحقیقات پلیسی ادامه داشت و مشخصات امیرعلی در فهرست افراد گم شده ثبت شد تا این که پس از مدتی ماموران پلیس خرم‌آباد از پیدا شدن جسد مرد جوانی مطلع شدند.

مشخصات جسد مرد جوان با مشخصات جوان گمشده در تهران شباهت زیادی داشت. خانواده امیرعلی با دیدن تصویر جسد جوان پیدا شده در خرم‌آباد تاکید داشتند که او فرزندشان است.

■ دستگیری قاتل خونسرد

همین کافی بود تا با جنایی شدن این پرونده، تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای افشاگری و دستگیری عامل این جنایت پنهان آغاز شود.

کارآگاهان در گام نخست کاوشگری‌ها پی بردند که امیرعلی در خرم‌آباد با کسی در ارتباط نبوده و فرضیه قتل در تهران و انتقال جسد به لرستان پررنگ شد.

تیم جنایی در ادامه با توجه به ارتباط امیرعلی با آرزو به سراغ خانواده‌وی رفتند و در تحقیقات پلیسی به پدر آرزو که رفتار مرموزی داشت، مشکوک شدند تا این که صبح روز پنج شنبه ۳۱ مرداد امسال مصطفی به عنوان تنها مظنون این پرونده معمایی دستگیر شد.

مصطفی در ابتدا سعی داشت خودرا بی گناه معرفی کند و این در حالی که بود که مدارک پلیسی او را به عنوان تنها قاتل این پرونده معرفی می‌کرد.

سکوت مصطفی ادامه داشت تا این که وی صبح دیروز در شعبه ۱۱ دادسرای امور جنایی تهران سکوتش را شکست و به قتل خواستگار سمج اعتراف کرد.

پدر آرزو در اعترافاتش گفت: وقتی شنیدم که امیرعلی مردی دروغگو و فریبکار است، از دخترم خواستم که از او فاصله بگیرد اما خواستگار دست بردار نبود تا این که فهمیدم او دو بار ازدواج کرده و حتی صاحب فرزند است و همسرانش مهریه و نفقه را به اجرا گذاشته‌اند.

وی افزود: دخترم وقتی متوجه ماجرا شد، دیگر به تلفن‌های امیرعلی پاسخ نداد و خواستگار دخترم با من تماس گرفت و خواست تا همدیگر را ملاقات کنیم.

مصطفی ادامه داد: من قصد کشتن او را نداشتم اما در این دیدار با امیرعلی درگیر شدم و تنها یک مشت به سرش زدم که او روی زمین افتاد. هر چه صدایش کردم جوابی نشنیدم و وقتی متوجه مرگ او شدم، برای رهایی از اتهام قتل به خرم‌آباد رفتم و جسد را در بیابان‌های اطراف فرودگاه خرم‌آباد رها کردم.

بنا بر این گزارش، مصطفی واحدی بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای امور جنایی تهران با توجه به اعترافات عامل این جنایت دستور داد تا متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گیرد.

■ تحلیل کارشناسی

ازدواج های اشتباه به خاطر عزت نفس پایین

دکتر امان ا... قرایی مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

بسیاری از افراد به علت وجود معیارهای اشتباه در ذهن شان، در انتخاب همسر اشتباه می کنند که در نهایت به طلاق یا اتفاقات هولناکی مانند قتل منجر می‌شود. یکی از دلایلی که سبب اصرار به ازدواج می شود که این اصرارها تخریب کننده هم هستند، عزت نفس پایین است. این گونه افراد همیشه درباره خودشان منفی فکر می کنند و باور دارند که به اندازه کافی مفید و پیروز نیستند. پس مردی را انتخاب می کنند که به این باورهای اشتباه شان دامن بزند. وقتی اعتماد به نفس بالایی داشته باشید و توانایی‌های خود را باور کنید مردی را جذب می کنید که او هم همین باورها را درباره شما دارد. ترس از تنهایی عامل دیگری است که زنان را به ازدواج اشتباه ترغیب می کند. تعداد زیادی از زنان در یک ارتباط ناسالم می‌مانند، چون از تنهایی می‌ترسند و از آن به قدری هراس دارند که تصور می کنند بودن در یک ارتباط ناسالم بهتر از تنهایی است. اگر برای فرار از تنهایی به کم قانع می شوند، زندگی خود را تخریب می کنند زیرا رضایت نداشتن از ارتباط روی سلامت جسمی و احساسی تاثیر می گذارد. پس این افراد با ترس‌هایی مواجه می شوند و به فرصت‌ها اجازه می دهند وارد زندگی شان شوند. از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود گزینش درستی نداشته باشند این است که تصور می کنند می‌توانند مرد زندگی شان را تغییر دهند و تبدیل به فردی کنند که می خواهند. تعداد زیادی از زنان تصور می کنند که می‌توانند همسرشان را تغییر دهند. نحوه لباس پوشیدن، رفتار، حرف زدن، غذا خوردن، روابط خانوادگی و خیلی چیزهای دیگر که این باور کاملا اشتباه است. به جای این که به فکر تغییر او باشید مردی را انتخاب کنید که با ویژگی‌ها و اولویت‌های شما سازگار باشد. گاهی علت گزینش نادرست، اولویت‌های غلط است. به عنوان مثال به جای این که به ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها و عقاید اهمیت بدهند بیش از حد روی ظاهر، پول و اتومبیل تاکید دارند. تفاوت سنی زیاد نیز گاهی اوقات عامل اصلی نزاع و درگیری‌های خانوادگی است. دخالت بیش از حد والدین در امور ازدواج فرزندان راه را برای کدورت باز می کند و به ریشه ای شدن اختلافات منجر می‌شود.

اعدام برای مرد شیطان صفت به خاطر آزار دختر معلول ذهنی

مرد جوان که دختر معلول ذهنی را فریب و وی را داخل خودروی وانت مورد آزار قرار داده بود با حکم قضایی به اعدام محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما و براساس پرونده اتهامی این مرد شیطان صفت، اوایل تابستان سال ۹۷ مرد میان سالی به پلیس آگاهی رفت و از مرد جوانی که دختر معلول ذهنی اش را مورد آزار قرار داده بود، شکایت کرد. به دنبال این شکایت، دختر جوان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان در گزارشی اعلام کردند، وی تحت آزار قرار گرفته است. به این ترتیب و با اطلاعاتی که پدر مریم به پلیس داد، کیوان ردیابی و بازداشت شد. کیوان در جلسه دادگاه روبه روی قضات ایستاد و جرمش را انکار کرد. وی گفت: چند سال پیش از همسرم جدا شدم و یک فرزند دارم و به تنهایی زندگی می کردم. مدتی قبل در خیابان مریم را سوار ماشین کردم. بعد از آن ماجرا او چند بار با من تماس گرفت و گفت به من علاقه مند شده است. او حتی به من پیشنهاد داده بود تا با او ازدواج کنم اما چون می دانستم معلولیت ذهنی دارد، به حرف‌هایش اهمیتی نمی‌دادم. او به دروغ می گوید من او را آزار داده‌ام. من هرگز به دیدن او نرفتم و نمی‌دانم چه کسی او را آزار داده است. وقتی قاضی پرونده گزارش پزشکی قانونی را که نشان می داد کیوان دختر جوان را آزار داده خواند، وی سکوت کرد و حرفی نزد. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و دیروز با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده، وی را به استناد ماده ۲۱۱ و ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی به دلیل زنا به عنف به اعدام محکوم کردند.

اعتراف مرد مست به کشتن زن دومش

مرد و رشکسته که همسر دومش را در حال مستی خفه کرده بود، دیروز پای میز محاکمه ایستاد و اشک پشیمانی ریخت. به گزارش پرونده اتهامی، عصر بیست و هشتم دی ماه سال ۹۷، به دنبال کشته شدن یک زن ۳۶ ساله به نام بهاره در خانه اش، ماموران کلانتری ۱۰۹ بهارستان در محل جنایت حضور یافتند. بررسی های اولیه نشان می داد که بهاره خفه شده است. همسر ۴۳ ساله‌وی به نام بیژن که در محل جنایت حضور داشت، در همان بازجویی های نخست قتل همسرش را گردن گرفت و گفت: مست بودم که با همسرم درگیر شدم و در یک لحظه ناخواسته او را خفه کردم. قاتل همسر کش، دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. سپس بیژن در جایگاه ویژه ایستاد و جرمش را گردن گرفت. وی گفت: من سال ها پیش از دواج کردم و از همسر اولم که طلاقش داده ام صاحب یک پسر نوجوان هستم. با پسرم در طبقه بالای خانه پدری ام زندگی می کردیم تا این که هشت سال پیش از طریق یکی از دوستانم با بهاره که آرایشگر بود، آشنا شدم. او قبلا ازدواج کرده و صاحب یک فرزند بود. من و بهاره با هم ازدواج کردیم و صاحب یک فرزند شدیم که حالا سه سال و نیمه است. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشک می ریخت، گفت: باور کنید من عاشق بهاره بودم و او را دوست داشتم. من فقط برای این که او را بترسانم تا ساکت شود، دستانم را دور گردنش گره کردم اما واقعا قصد کشتن او را نداشتم. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

آگهی تغییرات شرکت خدمات تشخیصی وغربالگری بین المللی مژده گستران شمیم امروز
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۶۳۵و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۶۰۸۷۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :آقای محمد خواجوی دارای کد ملی شماره ۰۷۴۹۳۵۴۲۴۰اقای بابک رادمهر دارای کد ملی شماره ۰۹۳۹۷۳۱۲۳۱اقای سید ابراهیم شکیب دارای کد ملی شماره ۰۸۸۸۹۸۲۵۶۹به سمت اعضاء اصلی هیئت مدیره و : اقای احسان غیور کریمیانی دارای کد ملی شماره ۴۷۲۲۵۹۹۷۶۹خانم نفیسه برادران رفیعی دارای کد ملی شماره ۰۹۳۳۶۶۹۲۱۶به سمت اعضاء علی البدل هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
-موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت ارقام پویا (حسابداران رسمی) به شماره ثبت ۱۰۱۵ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۱۲۱۰۶واقای حمیدرضا اکبراف دارای کد ملی شماره ۰۹۳۹۵۲۳۰۷۸به ترتیب به سمت بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
صورتهای مالی منتهی به سال ۱۳۹۶به تصویب رسیدروزنامه کثیر الانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۱۷۳)
م/۹۸۰۷۲۵۳۶

آگهی تغییرات شرکت مهر پایدار سازه امید شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۹۸۴۹و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۲۹۵۴۵۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس بخش مرکزی ، شهر مشهد، /فردوسی ، خیابان برادران شهید نوربخش۶ ، بلوار فردوسی ، پلاک ۴۱۳، مجتمع تجاری آهن مشهد ، طبقه همکف کدپستی ۹۱۸۵۹۹۳۵۴۷تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۱۶۷)
م/۹۸۰۷۲۵۵۱

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی سامد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۸۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۸۵۳۳۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
- صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید .
- روزنامه خراسان بعنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب شد .
- موسسه حسابرسی آبتین محاسب پارس شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۲۳۶۱۴بعنوان بازرس اصلی و آقای مهدی باشی خامسی کدملی ۰۹۳۸۳۷۰۵۲۹بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۳۰۸)
م/۹۸۰۷۲۵۷۳

آگهی تغییرات شرکت خدمات درمانی بهداشتی رضوی مشهد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۸۵۰۳و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۴۰۵۵۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
۲- آقای علی رضا حاکمی برآبادی کدملی ۷۶۰۹۱۴۲۳۰۳به سمت بازرس اصلی و آقای محسن جلالی کدملی: ۰۸۷۰۲۶۸۵۰۳به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند
۳- صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۶به تصویب رسید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۳۱۴)
م/۹۸۰۷۲۵۸۸

آگهی تغییرات شرکت رویا سازان ماندگار شرق شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۱۹۳۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۲۳۸۳۵۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ -اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال عبارتند از خانم لیلا محمدی به شماره ملی ۰۹۴۵۳۴۸۳۹۸، آقای سعید قرایی به شماره ملی ۰۹۴۲۰۹۴۰۶۹و آقای مهدی محمدی به شماره ملی ۰۹۴۲۵۵۱۵۱۶۲- آقای مرتضی نائینی طرقی به شماره ملی ۰۹۳۹۹۰۵۱۰۸به سمت بازرس اصلی و آقای محمد علی موذنی نقندر به شماره ملی ۰۹۳۸۹۳۶۹۸۰به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۶۳۴۹۳)
م/۹۸۰۷۲۵۶۵

آگهی تغییرات شرکت کشت و صنعت هلال شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۴۳و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۱۹۸۵۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۱۳۹۸/۰۲/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
- موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی شراکت به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۴۲۴۰ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای سال مالی ۱۳۹۸انتخاب شدند . - روزنامه خراسان بعنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید . - صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹مورد تصویب قرار گرفت .
- سرمایه گذاری هلال احمر ایران سهامی خاص شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۶۴۸۹۵کشت وصنعت ایران هلال بناب سهامی خاص شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۴۰۶۷۹هلال گستر بناب سهامی خاص شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۴۰۴۰۲ صنایع غذایی وآشامیدنی هلال سپیدان سهامی خاص شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۳۱۱۳۴کشت وصنعت هلال فارس سهامی خاص شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۵۲۰۸۰به سمت اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری نیشابور (۵۵۹۳۲۰)
م/۹۸۰۷۲۵۸۵

آگهی تغییرات شرکت خدمات تشخیصی وغربالگری بین المللی مژده گستران شمیم امروز
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۶۳۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۶۰۸۷۳
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
اقای محمد خواجوی دارای کد ملی شماره ۰۷۴۹۳۵۴۲۴۰ به سمت رئیس هیئت مدیره و اقای بابک رادمهر دارای کد ملی شماره ۰۹۳۹۷۳۱۲۳۱ به سمت نایب رئیس و اقای سید ابراهیم شکیب دارای کد ملی شماره ۰۸۸۸۹۸۲۵۶۹ به سمت عضو هیئت مدیره و اقای مجید امامی فرد دارای کد ملی شماره ۳۲۵۷۵۶۰۹۷۴(خارج از اعضاء هیئت مدیره و سهامداران) به سمت مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد اور و قرارداد ها با امضاء ثابت مدیرعامل و متغیر رئیس یا نایب رئیس به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۱۴۴)
م/۹۸۰۷۲۵۲۷

آگهی تغییرات شرکت پارسا یاران خراسان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۵۵و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۵۶۴۸۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
- موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت خبرگان پارس پویا به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۵۵۴۲۸به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آفاق کاوشگران به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۵۲۳۱۳بعنوان بازرس علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ انتخاب گردیدند .
- ترازنامه ، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد برای سال مالی منتهی ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری چناران (۵۵۹۱۵۲)
م/۹۸۰۷۲۵۶۱